

محمد جلیوند

پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، دوشبکه تلویزیونی وقت در دهه ۶۰ توجه زیادی به حوادث انقلاب نشان داده و بخشی از مجموعه‌های داستانی خود را به آن اختصاص دادند. آثاری در گونه‌های مختلف که همگی آنها یک وجه اشتراک داشته و آن هم چیزی جز حوادث و اتفاقاتی منتهی به انقلاب نبوده است. آثاری که اغلب هم در دهه ۵۰ بوده و بخش عمده‌ای از هم و غم نویسندگان فیلمنامه و کارگردان‌ها نیز صرف ساختن مستند آن ایام شده است. در دهه‌های بعدی نیز شبکه‌های تلویزیونی که حالا پرتعدادتر از گذشته شده بودند، همچنان نسبت به تاریخ انقلاب حساسیت نشان داده و همه ساله برای ایام دهه فجر آثاری را روانه آنتن کرده‌اند، اما در سال‌های اخیر با توجه به سختی‌های تولید آثاری با پس‌زمینه انقلاب، سریال‌های کمتری در این باره ساخته شده و اغلب شبکه‌ها نیز به بازپخش آثار قدیمی‌تر اکتفا می‌کنند. درست مانند امسال که سریال‌هایی همچون رنج پنهان ساخته بیژن میرباقری، از نفس افتاده به کارگردانی قاسم جعفری و ششمین نفر ساخته بهمن گودرزی از اواخر دی ماه روی آنتن شبکه‌های مختلف سیما رفته است. حال نگاهی به تعدادی از سریال‌های شاخص تلویزیون با محوریت انقلاب اسلامی ایران می‌اندازیم که در خاطر مخاطبان تلویزیون باقی مانده و حتی در بازپخش‌ها هم مخاطبان خاص خود را داشته‌اند.

دهه ۶۰، انقلاب و سریال‌های تلویزیونی

در سال‌های نخست دهه ۶۰ علاوه بر سریال‌های تاریخی همچون سرداران به آثاری با درونمایه طنز می‌رسیم که بخش مهمی از آنها نیز قصه خود را به روزهای منتهی به انقلاب و سقوط رژیم شاهنشاهی گره زده بودند. شاه‌زد، طبل توخالی و اشک تمساح از شاخص‌ترین این آثار به حساب می‌آیند که در زمان خود بسیار هم مورد توجه مخاطبان قرار گرفتند. «شاه‌زد»، ساخته احمد نجیب‌زاده داستان زوج فرصت‌طلبی است که با برداشتن کلاه تعدادی از درباری‌هایی که هنوز از کشور فرار نکرده‌اند، پول خوبی به جیب زده، اما سرانجام در حین فرار دستگیر می‌شوند. کم‌دی متوسطی که نقش‌های اصلی آن را بازیگرانی همچون نعمت... گرجی، مهین شهبایی و کیومرث ملک مطیعی ایفا کرده‌اند که هرسه آنها نیز از دنیا رفته‌اند. «اشک تمساح»، دیگر ساخته احمد نجیب‌زاده در قیاس با مجموعه قبلی کیفیت بهتری داشته و به لحاظ فیلمنامه در وضعیت مطلوب‌تری به سر می‌برد. شخصیت محوری این سریال فردی به نام فضائی است که پس از چند گفت‌وگوی مطبوعاتی به عنوان چهره‌ای انقلابی به سمت رئیس یک سازمان دولتی منصوب می‌شود. در حالی که یکی از مدیران زیردست او به نام شاه‌دوست از این وضعیت وحشت‌زده شده و سعی در فرار از دست او دارد. «طبل توخالی»، دیگر ساخته نجیب‌زاده

یکی دیگر از سریال‌های طنزآمیز دهه ۶۰ با پس‌زمینه انقلاب است که مخاطبانی میلیونی داشته و حتی سه‌دهه بعد نیز شاهد بازپخش آن از شبکه آی‌فیلم بوده‌ایم. پس از پیروزی انقلاب و اعلام خبر مرگ محمدرضا شاه، عده‌ای سلطنت‌طلب شایعه‌ای مبنی بر زنده بودن شاه به راه‌انداخته و با استفاده از یک بازیگر تئاترهای لاله‌زاری که شباهت فوق‌العاده‌ای هم به محمدرضا پهلوی دارد، نقشه کودتای خود را دنبال کرده و در این مسیر از کمک عوامل انگلیسی و آمریکایی هم بهره می‌گیرند. برگ برنده این سریال در مواجهه با مخاطبان در درجه نخست موقعیت‌های کم‌دی موجود در آن و در وهله بعد شباهت فوق‌العاده رضا بنفشه‌خواه به شاه است که با گرمی مناسب نیز شباهت‌ها را تشدید کرده است.

البته فضای اوایل دهه ۶۰ ایران و کمبود برنامه‌های سرگرم‌کننده تلویزیون نیز در موفقیت و محبوبیت سریال‌های ذکرشده تاثیر مستقیم داشته است. پس از آن به گروه کودک و نوجوان می‌رسیم که تولیدات زیادی نسبت به دیگر گروه‌های برنامه‌ساز داشته و بخش مهمی از آن را در دهه فجر روی آنتن فرستاده است. از جمله کارهای پربیننده در این دهه می‌توان به مجموعه «چاق‌ولاغر» اشاره کرد که در دوره‌های مختلف توسط کارگردان‌های متفاوتی ساخته شد.

زوج بیرنگ و رسام را می‌توان پایه‌گذار و طراح این



نگاهی به آثاری که با موضوع و

تصویر انقلاب د

مردم می‌رسد.

مجموعه تلویزیونی «رنا»، ساخته داوود میرباقری از جمله ملودرام‌های موفق در رابطه با انقلاب است که مخاطبان پروپاقرصی برای خود پیدا کرده و در بازپخش‌هایش هم بینندگان زیادی را پای تلویزیون‌ها نشاند. قصه زن میانسالی و رو به احتضاری که شوهرش را سال‌ها پیش در جریان تظاهرات مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از دست داده و حال در بحبوحه انقلاب نیز پسر انقلابی‌اش گم شده است. در این میان میرباقری داستان‌هایی هم در دل این قصه خلق کرده که مهم‌ترین آن علاقه برادرزاده‌اش پوریا به دخترش رعناست که با ورود دوست انقلابی و نقاش پسر رعنا، این داستانک هم وارد فاز تازه و ملتهبی می‌شود. رعنا را می‌توان عاشقانه‌ای در بستر انقلاب ایران لقب داد که قصه‌اش را بدون لکت‌ن روایت کرده و مخاطبان را با قهرمان خود همدل و همراه می‌کند. البته در این بین نباید از دیالوگ‌های درخشان میرباقری در کنار بازی‌های یکدست و تاثیرگذار بازیگرانش به‌خصوص گلچهره سجادیه و بهزاد فراهانی به‌سادگی عبور کرد.

دهه ۷۰: افزایش تعداد شبکه‌ها و رونق سریال‌های انقلابی

در این دهه با افتتاح شبکه‌های سه، چهار و پنج شاهد تولید سریال‌های بیشتری در گونه‌های مختلف بوده‌ایم که تعدادی از آنها را می‌توان در زمره پرمخاطب‌ترین سریال‌های چهار دهه پس از انقلاب قرار داد. هرچند که عمده تمرکز شبکه‌ها در این دهه بیشتر روی کم‌دی‌های شبانه ۹۰ قسمتی و ملودرام‌های خانواده‌محور بود و به همین خاطر هم سریال‌های انقلابی زیادی در این دهه تولید نشده یا کیفیت چندان مناسبی نداشته‌اند.

«آخرین ایستگاه»، ساخته حسین پهلوان نشان و مصطفی راور از دیگر کارهای موفق گروه سنی کودک و نوجوان در ایام دهه فجر است که در سال‌های بعد

سریال به حساب آورد که خلایقیت زیادی هم در کارشان موج می‌زد. به گونه‌ای که خیلی زود مخاطبانی میلیونی در میان کودکان و نوجوانان پیدا کرده و محبوب نسل بچه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ شد. از ایده‌های جذاب چاق و لاغر می‌توان به استفاده از کلیشه امتحان پس داده تضاد فیزیکی و فکری دو شخصیت اصلی آن اشاره کرد. همین‌طور اتومبیل آنها که بدون راننده حرکت کرده و به‌خوبی در خلق آن از عنصر خیال بهره گرفته شده بود. شخصیت منفی این کار هم شباهت‌های زیادی به شخصیت منفی انیمیشن‌هایی نظیر کارآگاه گجت داشته و برای مخاطبان کم‌سن و سال چاق و لاغر جذابیت‌های زیادی داشت.

«شب‌نامه» یکی دیگر از سریال‌های گروه کودک و نوجوان با مضمون انقلابی است که چندی پیش شاهد بازپخش آن از شبکه آی‌فیلم بوده‌ایم. داستان خانواده‌ای در شهری کوچک که قهوه‌خانه کوچکی را به شکل خانوادگی اداره کرده و در عین حال به دنبال کسب آخرین اخبار از مردم انقلابی شهرهای مختلف هستند. تا جایی که خبرنامه‌ای را به شکل روزنامه دیواری داخل قهوه‌خانه نصب کرده و آخرین اخبار را در اختیار مشتری‌ها قرار می‌دهند. سطح کیفی کار چندان بالا نبود، اما با توجه به آن که در ساعت پخش برنامه کودک روی آنتن می‌رفت نسبتاً قابل قبول به نظر می‌رسید. نویسندگان فیلمنامه خبرنامه برای جذاب‌تر شدن قصه خود و بخشیدن رگه‌هایی از طنز به آن، خیرچین میانسالی را خلق کرد که همواره در کش و قوس با پسران نوجوان پیرمرد قهوه‌چی قرار دارد. «در انتهاهای شب»، ساخته منوچهر پوراحمد از دیگر کارهای انقلابی تلویزیون در دهه ۶۰ به حساب می‌آید که داستان آن حول محور یک روحانی می‌گردد که یک بسته اعلامیه را از ترکیه به ایران آورده، اما پیش از پخش، لو رفته و توسط عوامل ساواک به شهادت می‌رسد. دو دانشجوی مرتبط با او هم دستگیر شده و به زندان می‌افتند، اما در نهایت اعلامیه‌ها به دست